

## فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۱۹S۳D۱۲SH۴M ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

### دکترین رس ایپسا لوکویتور و کاربرد آن در مسئولیت مدنی RES IPSA LOQUITUR

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۱۵)

دکتر یاشار طاهری

#### چکیده

غفلت به طور کلی به معنای بی دقتی در انجام یک عمل یا ایجاد یک نادیده انگاری است، همچون این که ممکن است عنصری از برخی عوامل نقض حریم خصوصی باشد مانند تجاوز و مزاحمت. اما این دیدگاه و نقدی جداگانه است که در اوایل دهه قرن نوزده میلادی آغاز و گسترش یافت. اگرچه منشأ نسبتاً جدید است، اما مهمترین مورد از انواع تقصیرهاست که نوشته های بسیاری هم درباره آن نگاشته شده است تا دیگر غفلت ها و تقصیرها. غفلت، به عنوان یک جرمه، شامل یک وظیفه قانونی برای جلب رضایت شاکی یا خواهان است که نقض این وظیفه توسط متهم یا خواننده رخ داده است که آسیب ناشی از آن نقض به شاکی یا خواهان وارد می شود. به طور معمول، شاکی باید با شواهد و مدارک؛ رفتار مدعی علیه را اثبات کند که او غفلت نموده و قصور ورزیده است، اما اغلب؛ مدعی علیه می داند که چرا و چگونه آن رویداد رخ داده است. در چنین مواردی، مدعی گاهی می تواند به عنوان ادله، حکم مدارک و شواهد را داشته باشد که این مورد ناشی از قاعده لاتینی (( رس ایپسا لوکویتور)) و ماهیت آن می باشد که این قاعده بیان می دارد: ((رویداد از خودش سخن می گوید)) با توجه به آنچه گفته شد، کاربرد پذیری دکترین رس ایپسا در اعمال غفلت آمیز و سهل انگارانه مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، ضرر، ورود خسارت، ارکان مسئولیت، دکترین



## بخش اول: کلیات

دکترین رس ایپسا لو کویتور از حقوق لاتین برگرفته شده است که همان گونه که پیشتر گفته شد به ترجمه تحت اللفظی (( شیء خودش صحبت می کند )) بر می گردد؛ اما امروزه در حقوق و مفهوم منطقی آن چنین بیان می گردد که (( رویداد از خودش سخن می گوید ))<sup>۱</sup>. نخستین کاربرد شناخته شده این گزاره به وسیله سخنور نامی، سیسرون در سخنرانی مشهورش، پرو میلون<sup>۲</sup> بوده است.<sup>۳</sup> شرایط و اوضاع و احوال پیدایش و تکوین این گزاره استفاده شده به وسیله سیسرون، در دادگاه های حقوقی روم، پرسش هایی را ایجاد نمود که بر چگونگی رس ایپسا به عنوان یک دکترین حقوقی اثر می گذارد تا اینکه این دکترین، بیش از یک قرن پیش در سال ۱۸۶۳ میلادی به وسیله قاضی انگلیسی، لرد چارلز ادوارد پولاک<sup>۴</sup> در پرونده انگلیسی Byrne علیه Boadle مورد نظر و حکم قرار گرفت که این الهام مستقیمی از آراء سیسرون در این پرونده است.<sup>۵</sup> در این پرونده، موضوع ارائه شده به وسیله یک رهگذر پیاده که توسط یک بشکه آرد صدمه دیده و زخمی شده بود، مطرح شد که آن بشکه ناگهان از پنجره انبار یک مغازه در یک خیابان لندن به بیرون غلتیده و بر روی رهگذر می افتد و به او آسیب و صدمه دائمی وارد می آورد. وکیل کسب و کار مدعی علیه استدلال می کند که مدعی نتوانسته است هیچ نقضی را به وسیله مدعی علیه یا کارگران او ثابت کند. قاضی بارون پولاک بیان کرده است که (( پرونده های خاصی موجودند که به آن رس ایپسا گفته می شود و این پرونده نیز یکی از آنهاست ))<sup>۶</sup>. هم چنین لرد پولاک ضمن رأی استدلال می کند که (( موارد خاصی که به آن رس ایپسا ممکن است گفته شود، حقیقت صرف حادثه رخ داده، دلیل و

<sup>۱</sup>- The Northwestern Reporter, West Publishing Company, 2017.

<sup>۲</sup>-Pro Milone

<sup>۳</sup>- M. Tullius Cicero, For Milo, Section 53.

<sup>۴</sup>- او نوه لرد بارون جانانان فردریک پولاک است.

<sup>۵</sup>-John R. Waltz; Fred Edward Inbau, Medical jurisprudence, Macmillan publish, 1971, p. 88.

<sup>۶</sup>-William R. Corbett, Unmasking a Pretext for Res Ipsa Loquitur: A Proposal to Let Employment Discrimination Speak for Itself, 2012, Paul M. Hebert Law Center of Louisiana State University publish, p 36.

شواهد یک سهل انگاری و غفلت می باشد)). همان گونه که این گفته بیان می کند، رس ایپسا، یک قاعده ادله محیطی و تابع اوضاع و احوال می باشد. این ویژگی اجازه می دهد که هیئت منصفه به این نتیجه برسد که اوضاع و احوال، همان آسیب و صدمه وارده به مدعی است. پس، برآمد این است که مدعی علیه؛ غافل و بی دقت بوده و سهل انگاری کرده است.<sup>1</sup>

### بند اول: تعریف دکترین

اصطلاح سهل انگاری و قصور دارای مفهوم حقوق آسیب و قصور یا شبه جرم و هم نقض مستقل یا شبه جرم مستقل یا آسیب مستقل می باشد. به عنوان یک شبه جرم و قصور مستقل، سهل انگاری به طور گسترده ای تعریف شده است: (( به عنوان نقض یک وظیفه قانونی مراقبت، نتیجه ورود یک خسارت ناخواسته از سوی مدعی علیه به شاکی است.<sup>2</sup>)) بر این اساس، هر عمل بی دقتی یا هر غفلت و قصوری که تحت عنوان شبه جرم قابل اجرا باشد، نیست. این مسأله، در نظر قاضی لرد رایت در پرونده شرکت Logally Iron مشاهده می شود که بیان کرده است: (( در تحلیل و نظر دقیق قانون، سهل انگاری، معنای بیشتری از رفتار دارای غفلت و بی دقتی می باشد. خواه سهو و غفلت باشد، خواه وظیفه و ناشی از انجام ارادی باشد. آن امر، به درستی به مفهوم پیچیده وظیفه، نقض و خسارت ایجاد شده به وسیله فردی که به وظیفه ای متعهد بوده است، اشاره دارد.<sup>3</sup>)) دکترین رس ایپسا به سادگی به معنی (( هر چیزی برای خودش صحبت می کند)) یا (( هر چیزی از خودش سخن می گوید)) می باشد. در پرونده Strabag علیه Ogarekpe، دادگاه این را لحاظ کرد که (( معنی عبارت رس ایپسا این است که در شرایط خاص پرونده، برخی شواهد که مورد بررسی قرار گرفتند، نه به عنوان یک موضوع حدسی و گمانی، بلکه استدلال منطقی هستند و احتمال آن بیستر می شود که برخی غفلت ها و سهل انگاری ها در مورد واقعیت ها به عنوان نشان و دلیل هستند یا بی شک در نظر گرفته شود. این باور، چیزی فراتر از یک قاعده و شواهد تأثیر گذار بر تقصیر

<sup>1</sup>- David Kaye, Probability Theory Meets Res Ipsa Loquitur, Michigan Law Review, Vol. 77:1456, June 1979, p 1458.

<sup>2</sup>- Winfield and Jolowiz on Torts 1<sup>st</sup> Edition, London, Sweet and Maxwell, 1998, p90.

<sup>3</sup>- Duru, Onyekachi Wisdom Ceazar, The Applicability Of The Doctrine Of Res Ipsa Loquitur Negligent Actions: A Critical Appraisal, SSRN, 2147373.



نیست، بلکه بر اساس عقل سلیم و منطقی بوده و هدفش این است که عدالت اجرا شود به ویژه هنگامی که حقایق مربوط به علت و مراقبت عملگرا به وسیله مدعی علیه در جایگاه ناشناخته و مبهمی برای مدعی است یا باید در معرض شناخت مدعی باشند. به دیگر سخن، حقایق و ادله آن برای مدعی علیه، بیش از هر شخص دیگر و مدعی؛ آشکار و مبرهن یا مفروض است. علاوه بر این، دکتترین رس ایپسا به دنبال اثرگذاری در هنگامی است که اموری را نشان دهد که کنترل امور تحت مدیریت مدعی علیه یا کارکنان او باشد و در زمانی که کسانی که کار مراقبت و مدیریت آن را بر عهده دارند، اتفاقات تصادفی و ناگهانی مانند روال عادی امور رخ نمی دهد، زیرا آنها کنترل امور را بر عهده داشته اند و مراقبت برای آنها، مسئولیتی مفروض است. این امور، شواهد منطقی و معقولی را درغیاب توضیح و دفاع مدعی علیه فراهم می کند که آن اتفاق، ناشی از این امر است که نیاز به مراقبت داشته است. اینها، مسائل برجسته و خاصی را مشخص می کند که مدعی پیش از آنکه به طور موفقیت آمیزی بر دکتترین تکیه کند، باید آنها را ثابت نماید.

### بند دوم: شرایط دکتترین

شرایط و عناصری اساسی در دکتترین رس ایپسا وجود دارد که عنصر اساسی آن که همان سهل انگاری است را بهتر برجسته می نماید که مدعی باید این عناصر اساسی را برای موفقیت در اثبات عمل سهل انگارانه اثبات نماید .

این عناصر عبارت از سه مورد هستند که در پی آمد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

- ۱- وظیفه مراقبت در قبال مدعی به وسیله مدعی علیه
- ۲- نقض آن تعهد به وسیله مدعی علیه
- ۳- خسارات و آسیب وارده به مدعی که در نتیجه آن نقض حاصل شده است<sup>۱</sup>.

حال به بررسی هر کدام از این موارد می پردازیم:

<sup>1</sup>-Royal Ade Ltd. v. national Oil And Chemical Marketing Company Plc, 2004, 117 LRCN 3899 at 3904(SC).



## ۱- وظیفه مراقبت تعهدشده در قبال مدعی به وسیله مدعی علیه

این یک پرسش قانونی است که آیا در یک وضعیت خاص، وظیفه مراقبت وجود دارد یا نه. پس، این نخستین مولفه ای است که باید در هر کنش و عملی برای سهل انگاری و غفلت، تعیین تکلیف شود. بنابراین، مسئولیت در سهل انگاری و غفلت؛ تنها در صورتی رخ می دهد که مدعی علیه در قبال مدعی، متعهد به یک وظیفه قانونی مبنی بر مراقبت مسئولانه ای در شرایط و اوضاع و احوال هر مورد می شود. به سخن بهتر، مدعی باید ثابت کند که چیزی یا موضوعی که دلیل ورود ضرر و آسیب بوده، تحت مدیریت و کنترل مدعی علیه یا کارکنان او بوده است. بدین ترتیب یکی از شایع ترین مصادیق سهل انگاری در این باب، در رانندگی غفلت آمیز و سهل انگارانه می باشد که در آن فرض می شود که راننده وسیله نقلیه موتوری کنترل کافی را بر وسیله نقلیه خود دارد و شرایط و اوضاع و احوال محیطی، زمینه را برای اعمال دکتترین رس ایپسا مهیا می کند.<sup>۱</sup> امروزه یکی از مهمترین تعمیم های خلاقانه که واجد وصف حقوقی جالب توجهی است آن است که وجود یک وظیفه مراقبت می باشد که در قضاوت لرد اتکین در پرونده Donaghu علیه Stevenson موجود است. در آن پرونده، مدعی، علیه مدعی علیه طرح دعوا کرد و ادعا نمود که او به دلیل نوشیدن زنجبیل تولیدی به وسیله مدعی علیه شدیداً بیمار شده که این بیماری در نتیجه وجود حلزون تجزیه شده در نوشیدنی اش بوده است. نوشیدنی زنجبیلی که در یک بطری مبهم از سوی یک خرده فروش به وسیله یک دوست خریداری شده بود. آن؛ یک موضوع خصوصی قراردادی بین مدعی و مدعی علیه قلمداد شده که از این رو هیچ وظیفه و تکلیف قراردادی وجود نداشت. با این حال، دادگاه این را پذیرفت که ساخت و ایجاد مقرره ای که تعهد به تکلیف مراقبت از مصرف کننده نهایی می کند، لازم است که براین مبنا می توان فهمید که آم مقرره، فارغ از هر نقصان و کاستی، به طور احتمالی دلیل خسارت و آسیب می گردد.<sup>۲</sup> مجلس اعیان، به این پرونده ورود کرده و به بررسی بیشتر پرداخت تا ((آزمون پیش بینی)) منطقی ای را تنظیم کند

<sup>2</sup>- Duru, Onyekachi Wisdom Ceazar, op.cit, p3.

<sup>1</sup>- Ibid, p 4.



که در غیر این صورت به عنوان ((اصل همسایه)) شناخته می شده است. این بررسی منتج به دیدگاهی درباره راهنمایی دادن به دادگاه ها در موقعیت های صدور رأی و تصمیم گیری در مواردی که نقض تکلیف قانونی برای مراقبت کردن است. به دیگر سخن، مجلس این نقض تکلیف قانونی مراقبت قبول شد. بر اساس اصل همسایه، آزمایش کردن مسئولیت غفلت و اهمال، بر اساس پیش بینی منطقی ضرر و خسارت برای اشخاصی که احتمالاً آسیب دیده یا به طور سلبی؛ تحت تأثیر یک عمل خاص یا غفلت و سهو قرار می گیرند، انجام می شود<sup>۱</sup>.

## ۲- نقض تکلیف مراقبت به وسیله مدعی علیه

عنصر نقض تکلیف مراقبت که وظیفه مدعی علیه است، به دنبال این می باشد که مدعی علیه، غفلت ورزیده است یا خیر. قانون، یک معیار تعیین و تنظیم کرده است که مدعی علیه چه میزان نقض تکلیف مراقبت نموده است. این معیار، یک هنجار و معیار استاندارد مراقبت است که منطقیاً یک انسان متعارف می تواند در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون انجام دهد. این بیان، باور اندرسون بی را در پرونده Blyth علیه کمپانی آب بیرمنگام تقویت می کند. اندرسون بیان می دارد که غفلت و سهل انگاری، یک فروگذاری و سهو در انجام امری است که یک انسان متعارف و عادی به آن شرایط و اوضاع و احوالی که معمولاً دستیابی به رفتار انسان را تنظیم می کند، هدایت می شود که آیا آن عمل را انجام دهد یا اینکه انجام کاری که انسان محتاط و معقول؛ نمی تواند انجام دهد. این تنها عنصر نیست، گرچه میزان و درجه مراقبتی که قانون نیاز دارد تا انسان ها در رفتارهای شخصی شان لحاظ کنند، بر اساس شرایط و اوضاع و احوال متفاوت است. این شرایط که بر میزان مراقبت تأثیر می گذارد عبارت از احتمال ورود آسیب، جدی بودن آسیب رخ داده، ابزار عمل مدعی علیه و امکان اجتناب از ضرر می باشند. شایان گفتن است که در جایی که فعالیت موجب خسارت، تحت کنترل یکی از کارکنان مدعی علیه ایجاد شود، مدعی قادر به تشخیص اینکه کدام یک یا کدام بخش از کارکنان خاص مدعی علیه کنترل امور را داشته است، در اینجا ممکن است از این دکترین استفاده کند که مدعی علیه را به طور غیر مستقیم مسئول دانسته و طرف دعوا قرار



<sup>۱</sup>- Royal Ade Ltd. v. national Oil And Chemical Marketing Company Plc, op.cit, 3899.

دهد. بنابراین، به عنوان مثال مقام مسئول بیمارستان، در برابر درمان بی رحمانه مسئول بوده است؛ حتی اگر بیمار نمی توانست نشان دهد که کدام یک از کارکنان بیمارستان، مسئول بوده است. از دیگر سو مدعی باید ثابت کند که اتفاقی از این دست، به عنوان یک چیز ناشی از جریان عادی امور نبوده و با غفلت و سهل انگاری از سوی مدعی علیه رخ داده است. پس، سهل انگاری و غفلت در جایی که تجربه مشترک بشر نشان می دهد، هر نوع رویداد ناگوار که رخ داده است، به طور معمول اتفاق نمی افتد مگر اینکه مدعی علیه قصور ورزیده باشد، فرض می شود.<sup>۱</sup>

### ۳- ضرر و آسیب مدعی در نتیجه نقض

غفلت به تنهایی عملی نیست، اما با اثبات خسارت واقعی؛ عملی می گردد. بنابراین، مدعی باید ثابت کند که او از خسارت وارده آسیب دیده است که مدعی علیه مسئول قانونی این ضرر است. به دیگر سخن، مدعی برای هر آسیبی که در نتیجه نقض تکلیف به وسیله مدعی علیه متحمل می شود، جبران خسارت نمی شود. اگر دادگاه خسارتی را که خیلی جزئی و بعید است یا اینکه خسارتی که او متحمل می شود، نتیجه نقض تکلیف مراقبت به وسیله مدعی علیه نباشد، شکست خواهد خورد. پس، ضرر باید واقعی بوده و در نتیجه نقض تکلیف مراقبت مدعی علیه وارد شود.<sup>۲</sup>



### بخش دوم: کاربرد دکترین

این دکترین در پرونده های گوناگونی به کار رفته و اعمال گردیده است. جایی که بیشترین میزان اعمال و کاربرد را می توان دید آن است که بار اثبات را از عهده مدعی به مدعی علیه منتقل می کند که مدعی علیه نشان دهد که این حادثه به علت مشخصی که سهل انگاری در هیچ بخشی از نیروهایش روی نداده است یا اینکه او مراقبت های مسئولانه را در موضوع به کار برده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این، تأثیر فراخواندن و به کار بستن دکترین رس ایپسا این است که

<sup>1</sup>-1856, EX.781- Duru, Onyekachi Wisdom Ceazar, op.cit, p5.

<sup>1</sup>-ibid, p5.

<sup>2</sup>-Compare Moore v. Fox and Sons Ltd., 1956, 1 QB 596.

شواهد و ادله سهل انگاری را در بدو فوریت به دست دهد، به گونه ای که مدعی علیه در ارائه هیچ پاسخی، موفق نگردد و قادر به پاسخگویی و ارائه دفاعیه و پاسخ نباشد. بنابراین، در پرونده Ibekendu علیه Ike، پاسخ دهنده در مقام مدعی از تجدیدنظرخواه در دادگاه عالی شکایت کرد و ادعا نمود که جراحات و خسارات وارده در تصادف ایجاد شده که علت آن سهل انگاری تجدیدنظرخواه بوده است. حادثه گفته شده اخیر، هنگامی رخ داد که اتوبوس هاتیس رانده شده به وسیله تجدیدنظرخواه متخلف، از سمت خودش در جاده به سوی دیگر چرخیده و با مدعی پاسخ دهنده که در کنار بزرگراه راه می رفته است، برخورد کرده است. در نهایت، اتوبوس مزبور در گودالی در امتداد جاده متوقف شد. دادگاه رأی داد که این حقایق به وضوح شواهد اولیه، فرضیه سهل انگاری و غفلت را به طور خودکار برای اعمال و به کارگیری قاعده رس ایپسا فراهم می کند، در نتیجه بار اثبات برعهده تجدیدنظرخواه منتقل می شود که توضیح معتبر و قابل قبولی جهت نشان دادن اینکه چرا آن اتفاق روی داده است، فراهم نماید. به طور روشنی، یک نویسنده موقعیت قانون را در این باره بدین گونه بیان می دارد که به طور معمول، بار اثبات ادعای سهل انگاری در آغاز بر عهده مدعی است اما دکتین رس ایپسا، پس از ارائه شواهدی به وسیله مدعی مبنی بر چگونگی وقوع حادثه، قابل اعمال است که در این صورت بار اثبات به عهده مدعی علیه منتقل می شود تا دفاعیه و توضیحاتی مبنی بر چرایی وقوع حادثه ارائه دهد و چنین توضیحی به دنبال نشان دادن این است که مدعی علیه قصوری نداشته، می باشد.<sup>1</sup> دکتین رس ایپسا به خوبی به عنوان یک قاعده مرتبط با کاربرد و استفاده ادله محیطی ناشی از شرایط و اوضاع و احوال در مورد سهل انگاری و غفلت بیان گردیده است. سومین اصلاحیه قانون شبه جرم آمریکا، رس ایپسا را چنین توصیف می کند: ((رس ایپسا، یک دلیل حقیقی دارای شکل کاملاً متمایزی است. دکتین بیان می کند که دادگاه نمی داند و نمی تواند بفهمد که واقعا چه چیزی در یک پرونده خاص رخ داده است. در عوض، یافتن غفلت احتمالی از دانش علل نوع یا دسته بندی حوادث مربوطه حاصل می



<sup>1</sup>- Duru, Onyekachi Wisdom Ceazar, op.cit, p9.



گردد<sup>۱</sup>)). آراء گوناگونی گفته شده که رس ایپسا اجازه می دهد یابنده حقیقت، استنتاج یا فرض نقض عملی به وسیله مدعی علیه کند، زمانی که مدعی؛ سختی فراهم کردن ادله و شواهد عمل یا اعمال خاصی به وسیله مدعی علیه دارد که نقض استانداردهای مراقبت را ایجاد کرده است<sup>۲</sup>. در دیدگاه نویسنده این مقاله، رس ایپسا مدعی را قادر می سازد که به طور موفقیت آمیزی از رس ایپسا بهره برده و آن را برای پرونده اش فراخوانده و اعمال کند تا یابنده حقیقت، بدون اثبات نقض دقیق انجام شده به وسیله مدعی علیه، آگاه شود. ترجیحا، هیئت منصفه ممکن است برخی نقض های تعریف نشده به وسله مدعی علیه را که بر اساس ادله محیطی باشد، بیابد که مدعی ها از مزیت کمتر آشکار رس ایپسا نیز بهره مند گردد. دلیل واقعی تحقیقات و ادله برای مدعی علیه ناخوشایند است و مدعی علیه ها اغلب هدف واضحی در قبال فقدان علت واقعی ندارند. علت یابی، جستجو می کند که اگر خسارت واقع شده است، آیا نقض تعهد اتفاق نیفتاده است. اگر نقض، فرض شده است اما به روشنی تعریف نشده است، در واقع پاسخگویی به تقاضای غیر قانونی ناشی از تحلیل علمی مشکل است. بنابراین اگر کشف حقیقت متمایل به ارزیابی تعریف ناقص نقض می باشد، ممکن است تمایل به فرض کردن دلیل، در واقع امر باشد. مصداق این گفته نیز قضاوت لرد پولاک در پرونده معروف *Byrne علیه Boadle* است که توجه به ادله موجود بر مبنای شرایط و اوضاع و احوال کرده و حکم به اعمال رس ایپسا در پرونده مطروحه نمود. در اصلاحیه دوم قانون شبه جرم آمریکا، قواعدی از رس ایپسا شرح داده است که بیان می دارد سهل انگاری ممکن است به عنوان دلیل خسارت وارده به مدعی تفسیر شود؛ وقتی حقایق زیر مستند قرار گیرد: (( این رویداد، نوعی است و به طور معمول در فقدان غفلت و سهل انگاری روی نمی دهد، و علل



<sup>2</sup>- the Restatement Third of Torts: (( Res ipsa loquitur is circumstantial evidence of a quite distinctive form. The doctrine implies that the court does not know, and cannot find out, what actually happened in the individual case. Instead, the finding of likely negligence is driven from knowledge of the causes of the type or category of accidents involved.))

<sup>3</sup>-William R. Corbett, Unmasking a Pretext for Res Ipsa Loquitur: A Proposal to Let Employment Discrimination Speak for Itself, 2012, Paul M. Hebert Law Center of Louisiana State University publish, p 34.



دیگر مانند رفتار مدعی و اشخاص ثالث، به اندازه کافی حذف و نادیده گرفته می شوند، و غفلت در محدوده تکلیف مدعی علیه است.) دادگاه های دیگر و مقامات مسئول عنصر دیگری را نیز یافته و نتیجه گیری کرده اند ((دلیل علت صدمه و آسیب بیشتر در دسترس مدعی علیه است تا مدعی.)) ممکن است استدلال شود که دسترسی به عامل ادله و شواهد، هرگاه که دادگاه ها بخواهند که رس ایپسا را گسترش دهند، مورد استفاده قرار می گیرد. گرچه شروط لازم و پیش نیازهای اصلاحیه دوم در گفته های قاضی ارل متفاوت است. مفاد بخش ۳۲۸ دی، درباره عنصر آخر بازنگری شد که بیان می دارد؛ مدعی ممکن است دلایل پاسخ دهنده دیگری باشد که نشانگر این است که دلیل رویداد، تحت مسئولیت، مدیریت و کنترل مدعی علیه بوده است یا اینکه مدعی علیه مسئول همه دلایل احتمالی مسئولانه بوده است. نقش حیاتی لازم برای اعمال و فراخوانی رس ایپسا، توجیهی برای یافتن نقض و احتمالا داشتن مسئولیت مدعی علیه علی‌رغم عدم توانایی مدعی برای اثبات یک نقض به خصوص است. با وجود نقش حیاتی پیش نیازها، این، یکی از ویژگی های رس ایپسا است که بیشترین اختلاف نظر را در میان مقامات دادگاهها ایجاد نموده است. قانون پیشین انگلیس و اصلاحیه دوم قانون شبه جرم آمریکا، سه پیش شرط لازم مورد نیاز را قانون انگاری نموده اند. اصلاحیه سوم قانون شبه جرم آمریکا، برای وحدت رویه؛ یک بررسی تقسیم شده را برای کاربرد رس ایپسا اتخاذ کرده است و دو نسخه گوناگونی را که توسط برخی از دادگاه ها پذیرفته شده است، رد کرده است. به دیگر سخن، هر یک از نسخه ها به وسیله اصلاحیه اخیر که شامل دو گام است، رد شده است. نخستین گام، این است که اگر حادثه از اتفاقات معمول به دلیل سهل انگاری و غفلت باشد و یا ابزار آلات موجب ضرر و آسیب، تحت کنترل خاص مدعی علیه است، رس ایپسا در این موارد اعمال می گردد. گام دوم قاعده نیازمند این است که نوع حادثه به علت سهل انگاری، به طور معمول و متعارف رخ دهد، و یا چنین سهل انگاری و غفلی معمولاً از سوی مدعی علیه می باشد تا برخی اشخاص دیگر. بدین ترتیب، یکی از ویژگی های مهم ناسازگار و مزاحم رس ایپسا، عدم توافق و عدم اطمینان در مورد حقایق مفروض

<sup>1</sup>- American Tort Law, the Restatement (second) of Torts, 328D.

است که آنها تعیین می کنند که آیا رس ایپسا برای یک پرونده مطرح، قابل اعمال است. این امر یک مشکل کوچک نیست، زیرا همان گونه که پیشتر گفته شد، این حقایق مفروض است که توجیهی برای دادن مزایای رس ایپسا به مدعی است. اگر سردرگمی، اختلاف نظر در این واقعیت های بنیادی وجود داشته باشد، به نظر می رسد که رس ایپسا به عنوان یک ایجاد کننده استدلال نامعلوم و یا پیش فرض قلمداد می گردد که باعث آسان سازی بار اثبات لوازم معمول برای مدعیان در دادرسی های متعارف می گردد.<sup>1</sup> یکی دیگر از اشکالات ویژگی های رس ایپسا که مورد قبول مکدائل داگلاس نیز می باشد، این است که اگر به این ادعا (دکترین) عمل گردد و دکترین اعمال شود، چه اثر حقوقی و رویه ای دارد. برخی از رویه های قضایی، رس ایپسا را به عنوان ایجاد کننده استدلال متعهدانه نقض، تفسیر کرده و آن را به عنوان یک استدلال مجاز نقض، تحلیل می نمایند.<sup>2</sup> در حالی که دیگران معتقدند رس ایپسا، اثر قضایی و رویه ای مهمتری از ایجاد یک فرضیه قابل انکار و نقض دارد.<sup>3</sup> اکثریت دادگاههای آمریکا باور دارند که این دکترین منجر به ایجاد و صدور استدلال متعهدانه نقض کردن می باشد، اگرچه حتی در موارد استثنایی، در برخی حوزه های قضایی، شواهد و ادله ممکن است چنین باشد که هیچ حقیقت قابل اطمینانی نمی تواند دریابد که مدعی علیه نقضی نکرده است. اما اقلیت حوزه های قضایی، به وسیله پرونده و قانون، بیشترین تأثیر را از فرضیه قابل قبول پذیرفته و به کار بسته اند. به نظر می رسد، دیگر حوزه های قضایی، از استنتاج مجاز و فرض قابل قبول به طور قابل معاوضه ای بهره می جویند که این راه، تفاوتی در اثر عملی و رویه ای ایجاد می کند.<sup>4</sup> دادگاه تجدیدنظر نیویورک تمایل دادگاه ها را برای استفاده از شرایط قابل تعویض پذیرفت و بیان نمود که دادگاه های آن ایالت، (( نسبت به تفاوت های بین استدلالات و پیش فرض ها حساس تر بوده اند و این می تواند پیامدهای گوناگون در رویه قضایی داشته



<sup>1</sup>- William R. Corbett, op.cit, p39.

<sup>2</sup>-Ryan v. Fast Lane , Inc.,360 S.W. 3d 787, KY. App2012- SSRN2159879

<sup>3</sup>-Tenn . CODE ANN. 29-6-115 ©; Kendrick v. Pippin, 252 P. 3d 1052, Colo publish,2011.

<sup>4</sup>- Morejon v. Rais Const. Co., 7 N.Y.3d 203, 851 N.E.2d 1143, Energy and Res ipsa loquitur, New York, 2016, p141.



باشد<sup>۱</sup>)). یکی از جنبه های ادعایی آزار دهنده رس ایپسا که مکدانل داگلاس بیان می دارد، این است که انواع غیرقابل اطمینان، مرتبط با مواردی است که آنها قابل اجرا هستند. از آنجا که رس ایپسا به عنوان یک قاعده یا اصل در مورد شواهد حقیقی در نظر گرفته شده است، به مدعی اثر رویه ای و قضایی مثبتی؛ پس از ایجاد حقایق می دهد. برخی مقامات و دادگاه ها، کاربردپذیری و قابلیت اجرایی مواردی که ادله و شواهد مستقیمی از نقضی که ارائه شده یا در دسترس هستند را رد می کنند و نمی پذیرند<sup>۲</sup>. با این حال، این تمایز بر اساس تفاوت بدبینانه و ناقص التعریف، میان شواهد مستقل و مستقیم و شواهد شرایط و اوضاع و احوال محیطی می باشد. چالش ایجاد یک دکترین قانونی قابل اجرا، این خاصیت در تعیین اینکه چه حوادثی اتفاق می افتد، می باشد. به طور کلی، قاعده پذیرفته شده در بخش ۳۲۸ دی قانون شبه جرم آمریکا بیان می دارد: ممکن است استنباط شود که خسارت متحمل شده مدعی، نشانه سهل انگاری مدعی علیه باشد، در زمانی که رخداد؛ نوعی است که به طور متعارف در صورت فقدان سهل انگاری و غفلت اتفاق نمی افتد<sup>۳</sup>. این قاعده به نظر می رسد به طور مشخصی درست و تثبیت شده و محکم است تا از هرگونه نقد و ایرادی مصون بوده و به طور کافی در غلبه بر موارد گوناگون به خوبی کار میکند و اعمال می گردد. با این وجود دادگاه ها انواع مختلفی از گفتارها و آراء طولانی در تعیین اینکه چه چیزی حادثه را نوعی اتفاق در فقدان سهل انگاری یک شخص؛ می داند، ایجاد کرده اند. ایراد وارده به گزاره ((شرایط متعارف در صورت فقدان سهل انگاری اتفاق نمی افتد)) به وسیله عده ای از نویسندگان، این است که دلایل بیشتری در پرونده هایی که مربوط به حوادثی است که تنها به صورت غلبه اتفاق می افتد. در بیشتر این موارد، دادگاه ها احراز می کنند که کمیابی صدمات و جراحات؛ تنها اشاره

<sup>5</sup> - Alan W. Stewart, Are we allowing the Thing to Speak for Itself?, Linnear v. CenterPoint Energy and Res Ipsa Loquitur in Louisiana, Louisiana, 71 LA. L.REV. 2011, p 1091,1099.

<sup>1</sup> -Richard K. Greenstein, Determining Facts: The Myth of Direct Evidence, 45 HOUS. L.REV. p 1801. 1804, New York, 2009.

<sup>2</sup> - David Kaye, Probability Theory Meets Res Ipsa Loquitur, Michigan Law Review, Vol. 77:1456,june 1979, p 1459.

ضمنی به سهل انگاری نمی کند.<sup>۱</sup> برای نمونه؛ در یک پرونده شناخته شده، Brannon علیه Wood، یک مرد به بیمارستان رفت تا تومور منژیتی خود را از پشت قفسه سینه اش بردارد و به صورت فلج شده از کمر از بیمارستان ترخیص شد. فلجی ناشی از اقدامات اضطراری بوده است که از خونریزی داخلی در محل تومور جداشده در نزدیکی نخاع انجام گردیده بود. دادگاه نخستین؛ نه تنها دستور به هیئت منصفه جهت لحاظ کردن رس ایپسا را رد می کند، بلکه هم چنین مطرح می کند که دستورهای مطروحه پزشکان مدعی علیه که تنها وجود آسیب و صدمه است، دلیل هیچ نوع سهل انگاری و غفلی نبوده است. دادگاه عالی اورگون آمریکا، حکم دادگاه تالی را تأیید و ابرام کرد؛ بدین گونه که مدعی نشان نداده بود که آسیب ها و صدمات او نوعی از مواردی نیست که به طور معمول در صورت فقدان سهل انگاری یک شخص اتفاق نمی افتد. آزمایشی که دادگاه بر آن تأکید نمود، از مواردی که یک آسیب و صدمه خاص به ندرت اتفاق می افتد، نبوده است، اما نه زمانی که آن روی می دهد که در این صورت نتیجه سهل انگاری است. متعارف نتیجه سهل انگاری که دادگاه در رأی نهایی خود گفت، معنای ساده ای می دهد مبنی بر اینکه ((به احتمال زیاد نتیجه سهل انگاری ناشی از برخی علل دیگر است)). از آن جایی که نه دانش عمومی و نه شهادت کارشناس نشان داد که فلج شدگی، احتمالاً نتیجه سهل انگاری بوده تا علل دیگر. دادگاه نتیجه گرفت که مدعی به قاعده رس ایپسا بیهوده و نادرست استناد می کند و نظر کارشناسی را رد کرده و مدعی را محق ندانست.<sup>۲</sup>

### بخش سوم: کاربرد دکترین رس ایپسا در کشاورزی

پرونده های متعددی درباره کاربرد دکترین رس ایپسا در اینکه میزان خسارت وارد آمده به محصولات کشاورزی و انبارهایی که در نزدیکی وسایل نقلیه موتوری اند، بحث می کند. بیشتر دادگاه های آمریکا در این موارد در رأی خود به دکترین رس ایپسا اعتنا نکرده و آن را اعمال نمی کنند. برای مثال، در پرونده Emigh علیه Andrews، آتش از زمینی که یک

<sup>3</sup>- Ibid, p1456.

<sup>1</sup>-Ibid, p 1461- 1463.





وانت، گندم را از زمین های گندم مدعی در کانزاس حمل می کرده است، آغاز شد. مدعی ها در پرونده اظهار داشتند که روش معمول حمل گندم از طریق کامیون ها بوده و زمانی که آنها در حال کار به صورت با احتیاط و با دقت باشند، آتش ایجاد نمی گردد. دادگاه عالی کانزاس تأکید کرد که عبارت رس ایپسا یعنی اینکه هر چیز از خودش سخن می گوید، و این بدین معنا نیست که چیز یا ابزار آلات؛ نه تصادف و حادثه که برای خودش و از خودش سخن بگوید. دادگاه عالی تقاضای مدعیان را به دقت مورد بررسی قرارداد و اعلام کرد که آن وانت درگیر در پرونده را متهم نمی کند، بلکه بیان نمود آتش دلیل اصلی است و اینکه وانت علت حادثه باشد، تنها یک احتمال و فرضیه است که اثبات پذیر نمی باشد. هم چنین دادگاه عالی رأی داد که استنتاج سهل انگاری و غفلت که در رس ایپسا اتفاق می افتد، فقط یک فرضیه صرف است. در نهایت، دادگاه عالی، پیش از مواردی که در آن اعلام شد که آتش یک رخداد معمول است و در تعدادی از موارد بدون تقصیر مدعی علیه اتفاق می افتد، بحث کرد، از این رو رس ایپسا اعمال نگردید و حکم به بی حقی مدعیان شد.<sup>۱</sup> در پرونده های بیشتری، عدم توجه به دکترین رس ایپسا مشاهده می شود و همگی آن را رد کرده اند و آن را یک احتمال و فرض صرف قلمداد می کنند. هم چنین دادگاه ها کاربرد و قابلیت اعمال رس ایپسا را در مواردی که در آن ادعا می شود که بخشی که واقعا آتش را آغاز کرده است، در زمان حادثه در کنترل مدعی علیه نبوده است، رد می کنند. برای نمونه، در پرونده *Andreton* علیه *Downs*، محصول گندم به دلیل کامیون در حال آتش از بین رفته است. مدعی علیه به صورت شفاهی بیان کرد کارگران مدعی اجازه داشتند کامیون را به سمت مزرعه گندم حرکت دهند. در حالی که نیاز بود تا انتقال گندم از مزرعه به بالابر دانه ها صورت گیرد. از این رو که به رس ایپسا عمل نشد و کاربردی در این پرونده نداشت، دادگاه تجدیدنظر میسوری تأکید کرد که دلیل اقامه شده در زمان آتش سوزی بدین معنی است که مدعی علیه توان کنترل کامیون را نداشته است. چون که دکترین به این مورد نیاز دارد که آن امر، دلیل خسارت یا آسیب و جراحت باشد که تحت کنترل مدعی علیه در زمان ورود آسیب و صدمه

<sup>۲</sup>- Chad G. Marzen, Agriculture and Res Ipsa Loquitur, Oklahoma Law Review, Vol. 70:679, 2018, p 681,682.

باشد، و در اینجا این مورد تحت کنترل مدعی علیه نبوده است، پس محلی برای اعمال رس ایپسا نبوده است. در سال ۲۰۱۵ میلادی هم دادگاه تجدیدنظر نبراسکا، استاد و اعمال دکترین رس ایپسا را در مورد آتش سوزی محصول گندم در پرونده *Lamprecht علیه Schluntz* رد کرد.<sup>۱</sup> علیرغم همه این موارد غالب که استاد به رس ایپسا را رد می کنند، در موارد اخیر و جدید دو دادگاه نیز دکترین رس ایپسا را قابل اعمال و کاربردی دانسته اند. در پرونده *Roddiscraft Inc علیه Skelton Logging Co.* مدعی از سوختن الوار چوبی اش به علت آتش سوزی ادعا شده، که تراکتور مشغول شروع به انجام کارش بود که در مجاورت اموال بوده است، بسیار خسارت دیده است. دادگاه، سه عنصر رس ایپسا را مورد بررسی قرار داد و همه سه عامل را در حادثه موجود و حاضر دانست. دادگاه بر اساس یافته های خود و نیز نظر کارشناس که به وسیله مدعی اقامه شده بود، اعلام نمود که آتش سوزی جنگل در فقدان سهل انگاری و غفلت، به طور متعارف اتفاق نمی افتد و اینکه هیئت منصفه می تواند سهل انگاری مدعی علیه را استنتاج کند. دادگاه هم چنین اعلام نمود که ادله نشانگر این است که هیچ پرسشی و شکی نیست که تراکتور تحت کنترل مدعی علیه بوده است نه سه شخصی که در محدوده حادثه حاضر بوده اند و کارگران مدعی علیه دلیل حادثه بوده اند. به علاوه، مدعیان دلیلی اقامه کرده اند که این غیر ممکن بود که هر عمل مدعیان دلیل آتش سوزی بوده است. نکته کلیدی که باعث تمایز این پرونده از پرونده های دیگر که بالاتر گفته شد، می شود این است که مدعی علیه یک قانون را نقض کرده بود. همان چنین بر اساس قانون کالیفرنیا، دادگاه گفت که آگروز حداقل یکی از تراکتورهای مدعی علیه نیز بازدارنده جرقه نداشته است.<sup>۲</sup> در یک پرونده دیگر، دادگاه عالی کالیفرنیا دریافت دکترین رس ایپسا در پرونده *Seely علیه Combs* قابل اعمال است. در پرونده، مدعی علیه؛ یونجه را از مزرعه با کامیون حمل می کرد و یونجه های تلخ را در انبار می انباشته و پشته و خرمن می کرده است. برخلاف دادگاه تجدیدنظر میسوری، در پرونده *Thurman*، دادگاه *Seely* اعلام کرد که وقتی خرمن های یونجه در انبار از کامیون انباشته و تخلیه می شد، آتش در فقدان سهل انگاری و



<sup>۱</sup>-ibid, p 683-684.

<sup>۲</sup>-Roddiscraft, Inc., 28 Cal. Rptr California, p 290



غفلت هیچ کسی اتفاق نمی افتد. به علاوه دادگاه دریافت که کامیون و یونجه در زمان آتش سوزی تحت کنترل مدعی علیه بوده است و مدعیان؛ هیچ واکنشی برای همکاری در ایجاد آتش سوزی نداشته اند و هیچ دخالتی در برافروختن آتش از آنها سر نزده است و همه عناصر و الزامات دکترین رس ایپسا حاصل بوده است.

## نتیجه گیری

آموخته است که یادآوری گردد که بار اثبات سهل انگاری همواره بر عهده مدعی قرار دارد، یعنی اینکه مدعی علیه در حال نقض تکلیف مراقبت تعهد شده در قبال مدعی هستند. بدین ترتیب به منظور تفسیر مسئولیت مدعی علیه برای سهل انگاری و غفلت، باید پذیرش و تصدیق قصور از سوی مدعی علیه یا شواهد و ادله کافی از سوی مدعی پیش از دادگاه ارائه گردد که بر اساس آن می توان سهل انگاری و غفلت را برداشت نمود. از این رو، مدعی در اقامه دعوی خود باید درخواست جزئیات کافی سهل انگاری کند تا مراقبت از او، حمایت شده و شواهد را در دادگاه ثابت کند. با این حال، اگر مدعی بتواند ثابت کند که حادثه روی داده است، بدون اینکه بتواند نشان دهد که چرا این امر اتفاق افتاده است، بهترین گزینه برای او این است که به دکترین رس ایپسا تکیه کند. بخشی که به دنبال اتکا بر دکترین رس ایپسا است، باید از دکترین؛ به طور ویژه بهره برد یا به حقایق منجر به نتیجه گیری مثبت ادعا شده در اقامه دعوا تکیه نماید.

بر این پایه، این دکترین ممکن است در هر یک از دو راه زیر اعمال گردد:

۱- خواه؛ به طور خاص، با اعمال آن به عنوان یک اصل و قاعده کلی لاتینی استناد کند؛

یا

۲- با اطلاع از اینکه مدعی قصد دارد به عنوان تلافی کردن، به خودش به عنوان شاهد و مدرک و دلیل سهل انگاری و غفلت، تکیه نماید.





## منابع و مأخذ

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰) حقوق اداری ایران، انتشارات توس، تهران، چاپ چهارم  
احمدی بهرامی، حمید (۱۳۷۷) سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول  
امامی، سید حسن (۱۳۶۸) حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ هفتم  
امام، فرهاد (۱۳۷۳) حقوق سرمایه گذاری خارجی در ایران، انتشارات یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۳  
بهشتیان، سید محسن (۱۳۹۰) بررسی نظم حاکم بر حقوق مالکانه در برابر طرح های عمومی  
شهرداری، انتشارات طرح نوین اندیشه

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲) ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران  
جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۵) حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، جلد اول، تهران  
عابد خراسانی، محمود رضا (۱۳۷۹) سلب مالکیت از بیگانگان در حقوق بین الملل، نشر  
دادگستر

قائم مقام فراهانی، عبدالمجید، حقوق بین الملل: ملی کردن... تهران، انتشارات پازنگک.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) حقوق مدنی اموال و مالکیت، انتشارات یلدا

امامی، سید حسن (۱۳۷۱) تقریرات دوره حقوق مالی، مقطع کارشناسی ارشد

شمس الدین جزایری (۱۳۳۵) اقتصاد اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ج ۳

صدرزاده افشار (۱۳۸۳) سلب مالکیت به سبب منافع عمومی در حقوق فرانسه، نشریه دانشکده  
حقوق

طباطبایی، منوچهر (۱۳۸۷) حقوق اداری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ج ۳

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱) اموال و مالکیت، انتشارات دادگستر



مالکی مقدم، هوشنگ (۱۳۸۷) سلب مالکیت و جبران خسارت در حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی. ناشر کوثر ادب.

عسکری، یدا... (۱۳۷۳) جبران خسارات در سلب مالکیت بیگانگان، دانشگاه شهید بهشتی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

